

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نوئل بامن-۲۳ مارچ ۲۰۲۳  
برگردان: وحید صمدی  
ویراستاری و ارسال: علی مشرف  
۰۸ می ۲۰۲۳

## با قطعنامه های همبستگی با فلسطین به سوی جهنمی صهیونیستی نقدی به چپ المان (۲)

### علیه تفرقه و افتراء به مقاومت فلسطین!

۷. نقطه نظرات MLPD از این هم فراتر می رود: پس نه تنها در اولویت قرار دادن مبارزه آزادیبخش فلسطین اشتباه است، بلکه همکاری «با نیروهای ارتجاعی فاشیستی و شبه فاشیستی همچون حماس و سازمان «جهاد» هم که یا (مستقیم و غیر مستقیم) با دیکتاتوری فاشیستی و امپریالیستی ایران مربوطند و یا اصلاً به آن‌ها وابسته اند»- فاجعه است.<sup>XIV</sup> این انتقاد به وضوح به چپ فلسطین و بیشتر به جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) اشاره دارد که MLPD با آن در ارتباط است. زیرا هم «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» و هم «جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین» با حماس و جهاد اسلامی همکاری می کنند: عملیات نظامی مشترک علیه رژیم صهیونیستی انجام می دهند، تماس های دیپلماتیک برقرار می کنند، به یک دیگر تبریک و تسلیت می گویند، از شهدای یک دیگر تقدیر می کنند، و خود را در مقاومت در برابر تل ابیب و رژیم همدست آن در رام الله متحد می دانند.

ایران و همچنین رژیم بعث سوریه و حزب الله لبنان هم به عنوان شرکای ستراتیژیک در نظر گرفته می شوند. حالا MLPD دوستانش در جبهه خلق برای آزادی فلسطین را متهم می کند که با فاشیست ها همکاری می کنند.<sup>XV</sup> باید صبر کرد تا این موضع تأثیر خود را بگذارد. نتیجه آن در موضع MLPD در برابر عملیات های مشخص مقاومت آشکار می شود: آن‌ها اقدام تلافی جویانه در مقابل قتل عام جنین، که طی آن چندین شهرک نشین اسرائیلی در اورشلیم شرقی در ۲۷ جنوری امسال به ضرب گلوله کشته شدند را به عنوان «بیهودستیزی»، «ارتجاعی» و «عمل از روی یأس» و «ضد مردمی» قلمداد کردند.<sup>XVI</sup> [به عکس] برداشت توده های فلسطینی از این اقدام خودش را، در جشن در خیابانها و در زندانها، و در الگو برداری از این حمله شگفت انگیز نشان داد: از آن زمان هر روزه نه فقط نظامیان اسرائیلی بلکه شهرک نشینان هم مورد حمله قرار می گیرند. مبارزان جبهه خلق برای آزادی فلسطین هم در این حملاتی که تعداد زیادی در طول هفته های گذشته جانشان را گذاشتند، مشارکت دارند. جبهه خلق برای آزادی فلسطین عملیات علیه شهرک نشینان در اورشلیم شرقی را علناً «عملیات قهرمانانه» و «تجسم اراده خلق ما» نامید. جبهه خلق از خیری القام، فلسطینی جوانی که عملیات را انجام داده و کشته شد، به عنوان «قهرمان

مقاومت» قدردانی کرد.<sup>XVII</sup> این جبهه همچنین در جشن هائی که پس از آن در غزه برگزار شد شرکت نمود.<sup>XVIII</sup> پس آیا PFLP هم، ترور فاشیستی و یهودستیزانه مرتکب می‌شود و آن را جشن می‌گیرد؟

نه- آن هم بخشی از مقاومت مردمی فلسطینیان است، درست مثل حماس، جهاد، گردان شهدای الاقصی، جبهه دموکراتیک خلق فلسطین و عربین الاسود(کُنام شیران)<sup>XIX</sup>. هرکس که به طور جدی اندکی با تاریخ حماس آشنا باشد می‌داند که حماس مدتهاست دیگر آن سیاست فوق محافظه کارانه و فرقه گرایانه دوران بنیانگذاری را دنبال نمی‌کند. بلکه جریانی ملی مذهبی است که از عملگرائی و تناقضات (به معنای خوب و بد آن) تأثیر می‌پذیرد. علاوه بر این حماس تاکنون مسیر مقاومت ثابتی را علیه رژیم استعمارگر صهیونیست حفظ کرده است. هدف مرکزی آن یک دولت اسلامی نیست، هرچند ممکن است که باشد- و هرچند افرادی که در غرب از فلسطینی ها حمایت می‌کنند باید به این امر آگاه باشند که ممکن است چنین دولتی اولین نتیجه بعد از آزادی فلسطین از استعمار صهیونیستی باشد. و این به فلسطینی ها بستگی دارد و یک چنین دولت اسلامی آزاد شده ملی هم، در هر حال گامی به پیش خواهد بود.<sup>XX</sup> در هر صورت حماس سالهاست که اولویت اول را به آزادی فلسطین داده است و در این رابطه با ملی گرایان سکولار و همچنین نیروهای سوسیالیست و کمونیست همکاری می‌کند.

به عنوان مارکسیست نباید هنگام سخن گفتن از ایدئولوژی از خصلت طبقاتی غفلت کنیم: حماس حزب بورژوازی کوچک و بورژوازی ملی است. همین در مورد جهاد اسلامی هم -که بسیار کوچکتر و دارای نفوذ کمتری در میان توده هاست و با ایران رابطه تنگاتنگی دارد- مصداق دارد. هم حماس و هم جهاد اجزای اصلی مقاومت فلسطین چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ نظامی هستند.<sup>XXI</sup> علیه آن‌ها بودن به معنای مخالفت با مقاومت فلسطین در واقعیت موجود است! حتی اگر این برای MLPD و بازسازی کمونیستی (KA) و غیره روشن هم نباشد، فاصله گرفتن از آن‌ها و فعالیتشان در عمل به معنای فاصله گرفتن از فعالیت جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) و دیگران است. حتی بیشتر از آن: وقتی که بخش بزرگی از جنبش همبستگی با فلسطین در المان، اگرچه نه حتی اکثریت، حماس و جهاد را طرد می‌کنند، کاری نمی‌کنند به جز اعمال سیاست تفرقه. آن‌ها بدین ترتیب در زمین اسرائیل و امپریالیسم المان در مشروعیت زدائی از مقاومت فلسطین و سرکوب فلسطینیان در این سرزمین بازی می‌کنند.<sup>XXII</sup> پس آن‌ها تفرقه می‌اندازند و دیگران حکومت می‌کنند.

### مواجهه درست با تبلیغات مسلط

۸. آنچه بروشنی جلب توجه می‌کند، نیاز MLPD به این است که در برابر اتهام یهودستیزی از خود دفاع کند. از هر ده نکته سه تای آن علیه یهودستیزی بیان می‌شود، و در دیگری با «نیروهای ارتجاعی و فاشیست یا شبه فاشیست» در میان فلسطینیان مرزبندی می‌کند. این نگرانی آنها که، مبدا به عنوان یهودستیز بی‌اعتبار شوند با توجه به کمپین های نفرت و افترای بی رحمانه ضدفلسطینی در سالهای گذشته که شامل حال MLPD هم شده است، قابل فهم است.<sup>XXIV</sup> با وجود این تأکید بیش از حد بر یهودستیزی بیانگر یک موضع دفاعی بسیار مسأله دار است: این ما نیستیم که یهودیان، اسرائیلی ها و صهیونیست ها را در یک مجموعه قرار می‌دهیم، بلکه صهیونیست ها و متحدین غربی آنها هستند. نه کمونیستها و نه عرب‌ها هیچ گاه با یهودیان مشکلی نداشته اند. این مشکل غربیان و به عبارت دقیقتر یهودستیزان لیبرال و محافظه کار و فاشیست و فئودالاش بوده است. ما مجبور نیستیم خود را در رابطه با یک پروژه راسیستی نسل کشی تیره کنیم، بلکه آن‌هائی باید این کار را بکنند که [امروز هم] از موجودیت چنین پروژه نسل کشی استعماری در فلسطین دفاع می‌کنند!

با این حال MLPD با پذیرش افسانه صهیونیستی «ملت یهود» هم دچار لغزش شده است، و در دام گفتن مسلط درباره فلسطین و «یهودستیزی» ادعائی گرفتار آمده است. نقطه اوج مسأله آنجاست که MLPD هم این را برمی گزیند و با داد سخن دادن درباره «یهودستیزی» در ارتباط با محافل عرب خرده بورژوا و بورژوا، تروتسکیستها و بخشی از چپ های خرده بورژوا را با خود همراه می کند.

به طور خلاصه باید گفت که MLPD خلاف ادعای مورد تأکید اولیه اش یعنی در همبستگی «بدون قید و شرط با مردم فلسطین برای رهائی ملی و اجتماعی» بودن، در حقیقت ۱. نه به لحاظ نظری، خود این مبارزه آزادیبخش و دشمن ستراژیژیکش رژیم صهیونیستی را درک می کند و نه برخورد مشخصی با این یا آن واقعیت دارد.<sup>XXV</sup> از طرف دیگر ۲. MLPD روایتهای صهیونیستی را پذیرفته است، به طوری که در معرض بخشی از تبلیغات ضد فلسطینی قرار می گیرد، بخشی از آن ها را از آن خود می کند و حتی از نظر استدلالی به موضعی دفاعی در می غلتد. ۳. و به دنبال دو نکته اول، چشم اندازهای ستراژیژیک که MLPD در ارتباط با فلسطین طرح می کند، یعنی «برادری» بین طبقه کارگر فلسطین و اسرائیل و راه حل دو دولت به مثابه مرحله انتقالی، توهمی بیش نیستند، زیرا رفقای فلسطینی در هر حال در این موارد به اندرزه های نامربوط گوش نمی دهند، و از اینرو این مشکل بزرگی نیست. مشکل جدی تر این است که: ۴. فاصله گرفتن جنبش همبستگی با فلسطین با بخش هایی از مقاومت می تواند در عمل به انشعاب و تضعیف جنبش آزادیبخش فلسطین بینجامد. جنبش همبستگی بدین ترتیب به ضد خود تبدیل خواهد شد.

پاسخ باید این باشد: ۱. افسانه های صهیونیستی را مدام افشاء کنیم، قاطعانه به تقابل با پروپاگاندا مسلط دست بزنیم و مردم نشویم! ۲. باید خود را آموزش دهیم و با مقاومت فلسطین و بازیگرانش کاملاً واقعی و مشخص برخورد کنیم، و با آن ها تبادل نظر نمائیم! ۳. فقط در این صورت می توانیم از آنان بیاموزیم و با آن ها بر روی این مسأله کار کنیم که، وظایف مشخص همبستگی با فلسطین در المان چه باید باشد. و ۴. باید با شکاف در درون مقاومت مخالفت کنیم، یعنی باید همبستگی خود را با همه اشکال [مقاومت] و همه بازیگرانش اعلام کنیم.

ادامه دارد